

پرسش و پاسخ ندای آزادی از فعالان سیاسی درباره‌ی مقدرات برجام

مهرداد درویش‌پور

ندای آزادی: با توجه به شرایط سالهای قبل از برجام مانند تحریم های بین المللی و خطر جدی جنگ، آیا برجام (برنامه جامع اقدام مشترک)، قرارداد مثبتی برای کشور ما بود، و یا فقط باعث بقای جمهوری اسلامی شد؟

مهرداد درویش پور: نمی توان انکار کرد که جمهوری اسلامی جاه طلبی دست یابی به سلاح هسته ای را دهه ها است در سر پروانده است و گاه تحت عنوان "انرژی هسته ای حق مسلم ما است" سعی کرده است به گسترش غنی سازی اورانیوم با امید به دست یابی به ظرفیت تولید سلاح هسته ای پیش رود. حکومت های همچون کرده شمالی و ایران برخورداری از سلاح هسته ای را به عنوان تضمینی برای بقای خود می بینند. کره شمالی البته با حمایت تلویحی و آشکار چین و روسیه بالاخره به آرزوی خود رسید. جمهوری اسلامی هم هیچ برای صرف نظر کردن از این خواست نداشت به ویژه آن که دشمن اصلی اش در منطقه -اسرائیل - و حتی برخی از همسایگانش به سلاح هسته ای دست یافته بودند. اما گویی جمهوری اسلامی متوجه نبود آمریکا و غرب به دلیل موقعیت استراتژیک ایران، منابع نفتی کشور و منطقه و درست به دلیل دشمنی با اسرائیل هرگز چنین اجازه ای را به ایران نمی دادند. از این رو نه تنها در پی برجام بلکه دستکم از 15 سال پیش به این سو جمهوری اسلامی ایران وادار شده بود که برنامه های دست یابی به سلاح هسته ای را به کناری نهد، بدون آن که لزوماً از آرزوی آن صرف نظر کند.

با این وجود برجام به قصد مهار کردن هرچه بیشتر جمهوری اسلامی و کاهش نگرانی اسرائیل و دیگر دشمنان جمهوری اسلامی در منطقه و غرب در ازای تضمین کاهش تحریم ها بر جمهوری اسلامی تحمیل شد. مهار بازهم بیشتر فعالیت های هسته ای ایران اما نه آمریکا و متحدانش در منطقه را راضی کرد و نه از ماجراجویی و مداخلات ایران در منطقه کاست. به وارونه نفوذ و مداخله جمهوری اسلامی در یمن، سوریه،

لبنان و عراق برای گسترش "عمق استراتژیک" همچون راه حل دیگری برای تضمین بقای آن افزایش یافت. از آن فراتر رجز خوانی ها و تحریکات نظامی نظیر آزمایش موشکی با شعار مرگ بر اسرائیل نیز به آن اضافه شد. امری که بهانه را به دست محافل راست محافظه کار در آمریکا داد که با روی کار آمدن ترامپ آمریکا و فشار عربستان و اسرائیل آمریکا را از برجام خارج و تحریم ها را تشدید کند.

توافق برجام خطر حمله نظامی و تشدید تحریم ها را از سر مردم ایران رها نداشت. اما در عین حال خطر به سایه رفتن نقض حقوق بشر در ایران را شدت بخشید. ماجراجویی های بعدی ایران نشان داد که به جای آن که از مهلت برجام برای بهبود روابط با جهان غرب و ازجمله آمریکا و منزوی کردن دشمنان ایران استفاده شود، از آن برای گسترش تحکیم موقعیت جمهوری اسلامی، جاه طلبی های آن و گسترش " عمق استراتژیک" استفاده شد. امری که هزینه مالی بیشتر برای مداخلات نظامی ایران در منطقه را به خرج مردم و به جای بهبود موقعیت اقتصادی کشور و گسترش تنش های منطقه ای را در بر داشت. با خروج آمریکا از برجام و تحریم های اقتصادی گسترده تر اما بازهم فشار اقتصادی بر مردم افزایش یافت. گویی مردم مرغ عزا و عروسی هستند. چه در سایه برجام و در پرتو گسترش هزینه های مداخلات نظامی ایران در منطقه و بی اعتنایی به نقض حقوق بشر در آن دوران، و چه با لغو برجام و گسترش تحریم ها افزایش فشار های اقتصادی برگرده مردم پیامد آن بود. به این ترتیب طنز تاریخ در این است که مردم ایران هم بازنده این توافق و هم بازنده لغو آن هستند! با این همه اکثر مردم از بابت احتمال کاهش تحریم ها و رفع خطر حمله نظامی به ایران و گسترش تنش زدایی بیشتر خواستار حفظ برجام بودند.

ندای آزادی: در صورتی که ایران به تعهداتش بر مبنای این توافق ادامه دهد و دیگر طرفهای برجام مانند چین، روسیه و اروپا به آن پایبند بمانند، برجام می تواند بدون حضور آمریکا ادامه داشته باشد؟

درویش پور: به لحاظ سیاسی برجام بدون آمریکا تا زمانی که اروپا به تعهدات خود ادامه دهد و ایران هم خویشتنداری کند می تواند ادامه یابد هرچند تا حدودی به شیر بی یال و دم و اشکم تبدیل خواهد شد! به لحاظ اقتصادی اما توافقی که به کاهش تحریم آمریکا علیه ایران منجر نشود، آسیب های جدی نه تنها برای سران نظام، بلکه برای اقتصاد کل کشور و سطح معیشت مردم را در بر خواهد داشت. به ویژه آن که بسیاری از شرکت های اروپایی نگران از مجازات های

اقتصادی به نقد اعلام کرده اند مایل به ادامه سرمایه گذاری در ایران نیستند و شاهد خروج یکی پس از دیگری از بازار اقتصادی ایران هستیم.

ندای آزادی: آیا ملغا شدن برنامه برجام باعث سقوط و یا تسریع سقوط نظام جمهوری اسلامی خواهد شد؟

درویش پور: جمهوری اسلامی ایران در پی تظاهرات دی ماه وارد دوران برگشت ناپذیر و سراشویی شده است. گسترش شکاف های طبقاتی، بحران اقتصادی، گسترش بیکاری و گرانی، فساد، اختلاس، اقتصاد رانتی و دهها مشکلات کشور پیش از برجام هم وجود داشته اند. امری که رویگردانی هرچه بیشتر مردم از نظام را شتاب بخشید. امری که در تظاهرات دیماه گذشته به عریانی بازتاب یافت. تحریم ها اما به نارضایتی ها دامن زده و فشار بر جمهوری اسلامی را افزایش داده است. به گمانم جمهوری اسلامی ایران به سادگی توان چندانی برای ایستادگی در برابر تحریم ها را ندارد. قبل از هرچیز از آن رو که یک نظام پوسیده اقتصادی، با استبداد سیاسی و ماجراجویی نظامی در منطقه و یک ایدئولوژی واپس گرا، امروز بیش از هر زمان دیگری برای دست یابی به رشد اقتصادی، ثبات سیاسی و مشروعیت اجتماعی با چالش های جدی روبرو است و هرچه زمان می گذرد وفاقی همگانی هرچه فراگیر تری علیه آن چه در داخل و چه در خارج شکل می گیرد.

ندای آزادی: با توجه به قدرت و امکانات گسترده امریکا برای تحریم ایران و تحت فشار قراردادن کشورهای دیگری که با ایران مناسبات اقتصادی دارند، خروج امریکا از برجام چه پیامدهای برای مردم ایران و برای جمهوری اسلامی به همراه خواهد داشت؟

درویش پور: گسترش تحریمها بحران اقتصادی کشور را بیشتر خواهد کرد. فشار را بر گرده به ویژه تهیدستان جامعه شدت خواهد بخشید. نوسانات ارزی و سقوط بهای آن، گرانی بیشتر، افزایش بیکاری، کاهش تجارت خارجی، اختلال در واردات و صادرات، کاهش کالا و خدمات و کاهش درآمدهای نفتی را در بر خواهد داشت. در عین حال خطر گسترش احتکار، اختلاس و پول شویی را افزایش می دهد. البته سران جمهوری اسلامی و برخی تاسیسات نظامی حکومت نیز با فشار، محدودیت و ممنوعیت بیشتری روبرو خواهند شد و فشار سیاسی بر جمهوری اسلامی ایران نیز افزایش خواهد یافت. هم از این رو بسیاری با گسترش تحریم های هوشمند موافق و با تحریم هایی که دود آن به چشم مردم ایران برود مخالفند.

ندای آزادی: اپوزیسیون خارج از کشور چه وظائفی در این شرایط بر عهد دارد؟

درویش پور: من سالها است از ضرورت راه سوم که به معنای استقلال و صدای متمایزی از جمهوری اسلامی و اتکا به قدرت های قدرتهای خارجی برای برجیدن آن است سخن گفته ام. می دانم عدم تکیه بر یکی از دو منبع اصلی قدرت در این جدال به ویژه در این وانفسا بسیار دشوار است اما برآنم از مشروعیت و مقبولیت بیشتری برخوردار است و شانس بیشتری برای یک گذار مسالمت آمیز را فراهم می کند. به موقعیت رقت انگیز آنان که سرنوشت خود را به نظام گره زده اند یا کاندیداهای چلیبسم ایرانی نگاه کنید که هر دو به رغم امکانات مالی، تشکیلاتی و تبلیغاتی گسترده همچنان قادر به جلب اعتماد مردم و افکار عمومی نشده اند. یک اپوزیسیون مستقل باید خواستار بهبود و بازسازی روابط ایران با جهان غرب و کاهش تنش با اسرائیل، عربستان و آمریکا شود. در عین حال در حوزه سیاست داخلی باید خواستار استقرار دموکراسی شود و برای آن پیکار کند. خواست هایی نظیر گشایش سیاسی، آزادی زندانیان سیاسی، آزادی احزاب و رسانه ها، لغو نظارت استصوابی، پایان بخشیدن به ولایت فقیه، تغییر قانون اساسی، رفراندوم و انتخابات آزاد برای تشکیل مجلس موسسان از سلسله مطالباتی هستند که در راستای گذار مسالمت آمیز و تحقق دموکراسی در ایران سودمند هستند. همگرایی جمهوری خواهان و همسویی با همه نیروهای دموکراتیکی که از گذار مسالمت آمیز از نظام جمهوری اسلامی به نظامی مبتنی بر جمهوریت، دموکراسی و سکولاریسم در ایران حمایت می کنند، از جمله وظایف اپوزیسیون است. با این همه نمی توانم نگرانی خود را از ناتوانی جمهوری خواهان در پاسخ به این ضرورت تاریخی در متن پراکندگی کنونی، جدایی اپوزیسیون داخل و خارج از کشور و خو گرفتن به زیست محفلی و جدایی از متن مبارزات اجتماعی مردم و نیروهای اتنیکی تحت ستم پنهان کنم. تشکیل قطب و جبهه جمهوری خواهان و همکاری های موردی با دیگر نیروهای اپوزیسیون و مداخله فعال در مبارزات اجتماعی نیازمند اراده معطوف به تغییر، کلان نگری و حضور نیروهای جوانتر در صحنه سیاست است که خلا آن به طور جد به چشم می خورد که چشم اسفندیار اپوزیسیون است.